

**A Sociological Elucidation of the Effective Factor in
the Advent (*Zuhūr*) of the Promised One
(*Maw'ūd* - may Allah hasten his reappearance ['aj])**

Shamsollah Mariji

Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. mariji@bou.ac.ir

Abstract

The phenomenon of the advent (*Zuhūr*) is a social matter; this social matter requires a social condition for its realization. The sufficient condition for the advent, in truth, is the existence of an awaiting society (*Jāmi'ah-yi Muntaẓir*). The cause of the delay in the advent from a sociological perspective is that as long as the society is not situated in the conditions of awaiting (*Intiẓār*), the sufficient condition of the advent is not realized, and no advent will occur. What the awaiting society is and how it must be realized is a question for which the present research, with a sociological approach, believes that one of the fundamental conditions for the formation of the awaiting society is social solidarity. Hence, in this research, by utilizing a descriptive-analytical method, an attempt has been made, using Islamic works and heritage (*Turāth*), to demonstrate how factors such as consensus, honesty, affection, altruism, and so forth, can strengthen social solidarity and become the factor for the continuity and stability of cohesion among the individuals of society. However, this truth cannot be ignored either that positive and beneficial social phenomena, in any society, will not be immune from a series of social factors and pathologies. Social cohesion, as a social phenomenon that is effective in the path of realizing the sufficient condition of the advent, is also not an exception to this matter; because factors such as misplaced suspicion and pessimism, calumny and slander, misplaced expectations, ambition and supremacy-seeking, miserliness (*Bukhl*), envy (*Hasad*), and rancor among the individuals of society can cause the non-realization of social solidarity or its weakening, and delay the sufficient condition of the advent.

Keywords: Society, Awaiting (*Intiẓār*), Social solidarity, Advent (*Zuhūr*), Mahdism (*Mahdawiyyah*), Social cohesion.

Cite this article: Mariji, S. (2026). A Sociological Elucidation of the Effective Factor in the Advent (*Zuhūr*) of the Promised One (*Maw'ūd* - may Allah hasten his reappearance ['aj]). *Social-Cultural Studies of Hawzah*, 10(1), p. 295-310.
<https://doi.org/10.22034/scs.2026.74246.1482>

Received: 2025-10-04 ; **Revised:** 2025-12-12 ; **Accepted:** 2026-01-07 ; **Published online:** 2026-03-30

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



تبیین جامعه‌شناختی عامل موثر در ظهور موعود(عج)

شمس‌الله مریجی

استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. mariji@bou.ac.ir

چکیده

پدیده ظهور امری اجتماعی است؛ این امر اجتماعی برای تحقق خود نیاز به شرط اجتماعی دارد. شرط کافی برای ظهور، در حقیقت وجود جامعه منتظر است. علت تأخیر در ظهور در نگاه جامعه‌شناختی، این است که تا زمانی که جامعه در شرایط انتظار قرار نگیرد، شرط کافی ظهور محقق نشده و ظهوری اتفاق نخواهد افتاد. اینکه جامعه منتظر چیست و چگونه باید محقق شود، پرسشی است که پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی معتقد است که یکی از شرایط بنیادی شکل‌گیری جامعه منتظر، همبستگی اجتماعی است. از این‌رو، در این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تلاش شده تا با استفاده از آثار و تراش اسلامی نشان داده شود که چگونه عواملی چون هم‌اندیشی، صداقت، محبت و دگرخواهی و... می‌توانند همبستگی اجتماعی را تقویت نموده و عامل تداوم و ثبات انسجام در میان افراد جامعه شوند. اما این حقیقت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که پدیده‌های اجتماعی مثبت و مفید، در هر جامعه‌ای از یک‌سری عوامل و آسیب‌های اجتماعی در امان نخواهند بود. انسجام اجتماعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی که در مسیر تحقق شرط کافی ظهور اثرگذار است نیز از این امر مستثنی نیست؛ چون عواملی نظیر: سوءظن و بدبینی‌های بی‌جا، بهتان و افتراء، توقع‌های بی‌جا، جاه‌طلبی و برتری‌جویی، بُخل، حسد و کینه در میان افراد جامعه می‌توانند موجب عدم تحقق همبستگی اجتماعی و یا تضعیف آن شده و شرط کافی ظهور را به تأخیر بیندازند.

واژه‌های کلیدی: جامعه، انتظار، همبستگی اجتماعی، ظهور، مهدویت، انسجام اجتماعی.

استاد به این مقاله: مریجی، شمس‌الله (۱۴۰۵). تبیین جامعه‌شناختی عامل موثر در ظهور موعود(عج). مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۱۰(۱)،

ص ۲۹۵-۳۱۰. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.74246.1482>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسنده: نویسنده‌ان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ۱۴۰۵/



۱. مقدمه

با عنایت به ادبیات موجود در تراث اسلامی و آثار ارزشمند علمای شیعه، در زمانی روزگارسر می‌کنیم که علائم زیادی وجود دارد که حکایت از عصر ظهور می‌کند. با توجه به اهمیت و ارزشمندی انتظار منجی موعود در فرهنگ دینی به ویژه در اندیشه شیعه که از علائم ایمان به‌شمار آمده است، ضرورت سخن گفتن در این زمینه را دوچندان می‌کند، لکن مسأله این تحقیق در مورد اصل انتظار، جایگاه و ضرورت آن نیست، بلکه مسأله در مصداق منتظر است، شکی نیست که هر شخص با ایمان و معتقد به مهدویت، باید منتظر قدوم مبارک حضرت باشد و همواره خود را مهیای آن روز عظیم کند، چون به بیان امام صادق(ع) آماده‌سازی برای ظهور از مهم‌ترین وظایف هر منتظری است و برای اینکه در جگه یاران امام عصر(عج) قرار بگیرید، نباید حتی از آمادگی نظامی و تجهیزات جنگی غافل بمانند، «لَيْعِدَنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا (نعمانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۰)، «هر یک از شما باید خود را برای ظهور حضرت قائم(عج) آماده کند، اگرچه با فراهم کردن یک تیر». خود حضرت نیز برای چنین رادمردانی دعا فرموده و آرزوی طول عمر می‌نمایند تا توفیق در حضور و خدمتگذاری در رکاب حضرت را بیابند. امام صادق(ع) درباره وظیفه یک منتظر فرمودند: «مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ» (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۵۲، ص ۳۶۶)، «هر کس که بودن در شمار یاران قائم، او را شادمان سازد، باید به انتظار باشد و باید با پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند. پس، اگر اجلس فرا رسد و امام قائم پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش برابر با پاداش کسی است که آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید، گوارا باد شما را ای گروه بخشوده». درباره اهمیت انتظار و جایگاه آن در فرهنگ شیعه و البته وظایف افراد و منتظران واقعی سخن بسیار گفته شده و آثار فراوانی در دسترس بوده و روایات زیادی از ائمه معصوم(ع) وجود دارد. اما یکی از موضوعاتی که در این زمینه چندان مورد عنایت نبوده، البته اینکه علت این عدم توجه چه بوده و اندیشمندان مهدویت‌پژوه کمتر به سراغ آن رفته‌اند، خود بحث دیگری است که بررسی آن فرصت دیگری را می‌طلبد؛ اما موضوعی که کمتر به آن پرداخته شد، جامعه منتظر است. شکی نیست که بر تک تک افراد معتقد فرض است که در انتظار امام منتظر بوده و همواره خود را مهیای همراهی آن حضرت نموده و در زمره منتظران واقعی باقی بمانند. این، شرط لازم ظهور امام منتظر(عج) است، اما این شرط لازم نیاز به شرط کافی به نام جامعه بماهو جامعه دارد که از نظر نگارنده تا این شرط محقق نگردد، آن وعده صادق الهی جامه وجود بر تن نخواهد کرد. تحقیق حاضر، با رویکردی جامعه‌شناختی، پدیده اجتماعی (ظهور) که حقیقتاً مهم و بنیادی است را مورد کاوش قرار می‌دهد؛ تا روشن شود که به چه دلیل غیبت امام عصر(ع) طولانی شده و مشتاقان از ظهور آن حضرت محروم هستند؟ علی‌رغم اینکه در طول دوره غیبت کبری، منتظران واقعی بی‌سبرانه انتظار رویت حجت‌الله را داشته و حسرت دیدار به دل مانده و رفتند، ادعای اصلی پژوهش آن



است که شرط کافی که همان جامعه منتظر است، محقق نشد؛ پس، باید مشخص شود که گام نخست تحقق شرط کافی ظهور حجت حق چیست؟ و برای تحقق گام نخست چه عواملی نقش آفرین هستند؟

۲. انتظار فردی، شرط لازم

از نظرگاه جامعه‌شناختی، مهدویت و انتظار ظهور موعود از جمله پدیده‌های اجتماعی بوده که دارای دو جنبه فردی و جمعی است. البته هر دو جنبه آن مهم و قابل توجه است، اما بی‌تردید جنبه جمعی آن بنیادی و اثربخش‌تر است؛ چون بدون تحقق آن، جنبه فردی و انتظار افراد به نحو شخصی هر چند واقعی هم باشد، اثربخشی لازم جهت تحقق آن وعده صادق را نداشته و در نتیجه جامعه بشری شاهد ظهور نخواهد بود. این نکته دقیق نه تنها یک ادعا نیست، بلکه شواهد فراوان تاریخی و اعتقادی برای این حقیقت وجود دارد. حقیقتاً کسی نمی‌تواند ادعا کند که از آن زمان که حضرت به فرمان خداوند حکیم چهره در نقاب غیبت کبری پنهان نموده‌اند، کسی مشتاق دیدار نبوده و خود را مهیای حضور در رکاب امام منتظر خود نکرده باشد. در طول این زمان بیش از هزار ساله دیده شدند افرادی که در دم جان دادن، چشمشان به نور حجت حق روشن شده و با چشم گریان از این جهان رفتند، تا با رجعتی دیگر بتوانند به آرزوی همراهی و سربازی خود برسند. چه اینکه «رجعت»، جزو آموزه‌های اختصاصی شیعه است. البته درباره زمان دقیق رجعت، سه احتمال وجود دارد: کمی قبل از قیام، همزمان با آغاز قیام و کمی بعد از قیام امام مهدی (عج) (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۰۱). در هر صورت تعبیر «هنگام قیام»، هر سه احتمال را دربرمی‌گیرد. بسیاری از اندیشمندان، از جمله شیخ مفید، به پیروی از احادیث این باب، رجعت را مخصوص کسانی می‌دانند که در ایمان یا کفر، خالص باشند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷-۷۸). امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ، وَ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا، أَوْ مَحَضَ الشَّرْكَ مَحَضًا» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰). یعنی رجعت، عمومی نیست؛ بلکه ویژه گروهی خاص است. تنها، گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرك خالص دارند. رجعت، به صورت احیای دوباره زندگی دنیاست. بنابراین، باید روح به بدن بازگردد و بازگشتی جسمانی صورت پذیرد، نه صرفاً بازگشتی روحانی. براساس احادیث اسلامی، بازگشت روحانی، برای بسیاری از مؤمنان اتفاق می‌افتد و آنان در مواقعی خاص همچون جمعه، اجازه می‌یابند که به سوی اهل منزل خود بروند و احوال آنان را مشاهده کنند؛ اما این بازگشت روحانی، غیر از «رجعت» است که در آن، روح به بدن بازمی‌گردد و انسان، زندگی جسمانی را از سر می‌گیرد. اساساً ایده رجعت در فرهنگ شیعه که در جای خود با ادله عقلی و نقلی به اثبات رسیده، خود بیانگر این حقیقت است که امام زمان (عج) در دوران غیبت کبری، منتظران واقعی زیادی داشته که عمرشان به اتمام رسیده و توفیق به حضور در رکاب مولایشان پیدا نکردند، اما به جهت صلابت در اعتقاد و صداقت در رفتارشان، یک بار دیگر اجازه برگشت به آنان داده می‌شود، تا به آرزوی واقعی‌شان رسیده و توفیق همراهی با امام منتظر خود را پیدا کنند. انتظار فردی افراد در جامعه



اگرچه امری ضروری بوده و اساساً از علانم ایمان و شیعه بودن شمرده می‌شود، اما صرف وجود این افراد هر چند فراوان هم باشند، کافی نیست، تا جهان شاهد تحقق آن وعده صادق باشد. چون وجود این افراد شرط لازم است، و نه شرط کافی؛ باید جامعه منتظر شکل بگیرد تا سازوکار لازم جهت اجرای برنامه ولی‌الله اعظم مهیاء گردد، تا این روحیه فردی به یک روح جمعی و روحیه اجتماعی مبدل نگردد، زمان ظهور فرانخواهد رسید. حال اینکه در چه صورت و زمانی روح جمعی محقق می‌شود و جامعه منتظر پدید می‌آید، موضوعی است که گام نخست شکل‌گیری روح جمعی و پدیداری جامعه منتظر، انسجام و همبستگی اجتماعی است. اینکه چگونه همبستگی اجتماعی می‌تواند بنیان یک روح جمعی گردد و کدام انسجامی است که می‌تواند جامعه منتظر را شکل دهد و چگونه این جامعه می‌تواند زمینه ظهور را هموار نماید، مباحثی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳. بنیان جامعه

بی‌تردید پدیده‌های اجتماعی برای پدیداری خود، به دو شرط لازم و کافی نیاز دارند، تا جامعه وجود بر تن نموده و در عالم واقع محقق شوند. همانطوری که اصل جامعه نیز برای شکل‌گیری آن از این قاعده مستثنی نیست. چون براساس دیدگاه جامعه‌شناسان، صرف وجود افراد به هر تعداد که باشند، جامعه‌ای پدید نخواهد آمد، اگرچه شرط لازم شکل‌گیری جامعه، وجود افراد است، اما این امر به تنهایی برای تحقق جامعه کافی نیست؛ چون وجود افراد برای تشکیل جامعه باید با دو شرط دیگر همراه باشد: روابط متقابل و هدف مشترک؛ در حقیقت وجود افراد شرط لازم است و روابط متقابل و هدف مشترک، شرایط کافی (مریجی، ۱۴۰۳، ص ۲۰). پدیده مهدویت نیز برای تحقق و ظهور خود علاوه بر شرط لازم که انتظار فردی است، شرط کافی‌اش جامعه منتظر است؛ این شرط برای تحقق خود نیاز به یک عامل بنیادی دارد که ما در این تحقیق آن را انسجام اجتماعی می‌دانیم. یعنی جامعه منتظر برای اینکه بتواند عینیت پیدا کند، گام نخست آن همبستگی و انسجام اجتماعی است. اساساً هر جامعه برای شکل‌گیری خود نیاز به این عامل کلیدی دارد، لکن، تفاوت جوامع در بن‌مایه این انسجام است؛ اینکه انسجام از چه مبنا و منشأیی سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند کمیت و کیفیت آن را مشخص نموده و به تبع آن جوامع نیز از هم متمایز می‌شوند. همبستگی اجتماعی در زبان لاتین معادل Social solidarity به‌کار رفته است. در لغت نیز به معنای وحدت، وفاق و وفاداری بوده که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است. این واژه با واژه Social cohesion مترادف بوده و با واژه‌های دیگری همچون یکپارچگی اجتماعی^۱، وحدت^۲، وفاق اجتماعی^۳ و نظم اجتماعی^۴ از یک خانواده هستند. در مورد همبستگی اجتماعی تعاریف

1. Social Integration
2. Unity
3. Social harmony
4. Social order



مختلفی ارائه شده است، از جمله، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به طور کلی و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد... به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضاء به یکدیگر وابسته بوده و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴، ص ۶).

تاریخ زندگی بشر گواهی می‌دهد که انسان همواره به صورت دسته‌جمعی و گروهی روزگار گذرانیده و حیات اجتماعی را بر زندگی فردی ترجیح داده است. درباره علت یا علل آن، مطالب زیادی گفته‌اند؛ فارابی، اندیشمند بزرگ اسلامی، علت این ترجیح را سعادت و کمال‌طلبی انسان می‌داند و بر این باور است که: «زندگی بالاجتماع است که می‌تواند کمال انسانی را برایش به ارمغان آورد. هرچند زندگی انفرادی ناممکن نیست؛ لکن، انسان را به سعادت محتوم و کمال مطلوب راهبر نتواند بود» (قاضی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱). از این‌رو، جامعه و شناخت ویژگی‌های آن از دیرباز نظر اندیشمندان را جلب کرده و گاه بر سر چیستی و ماهیت آن به گفت‌وگو پرداخته و بر شناخت ویژگی‌های آن تأکید کرده‌اند. گروهی آن را موجود حقیقی و دارای ماهیتی مستقل و آثار ویژه می‌پندارند و جمعی بر اعتباری بودن آن پای فشرده و آن را جز جمع جبری افراد، چیز دیگری نمی‌دانند و آثار و ویژگی‌های آن را به افراد برمی‌گردانند؛ ولی همگان بر این باور اتفاق دارند که همبستگی از ضرورت‌های اجتماع و امری حیاتی برای جامعه است و بدون آن، هیچ جمع و گروهی توان استحکام و استمرار ندارد. سرّ آن را باید در معنا و مفهوم همبستگی جست‌وجو کرد. در فرهنگ علوم اجتماعی آمده است که: «همبستگی به معنای احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که آگاهی و اراده داشته باشند. همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها و به طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنان باشد. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه اعضاء به یکدیگر وابسته بوده و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. بر این اساس، همبستگی اجتماعی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خویشتن تطابق و همنوایی یابد (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۴۴۰). دورکیم همبستگی اجتماعی را نوعی نظم خودبنیاد اجتماعی و اخلاقی می‌داند که در آن افراد با هم پیوند یافته و هماهنگ هستند (دورکیم، ۱۳۶۹، ص ۷۳). همبستگی و وفاق اجتماعی تنها مورد توجه جامعه‌شناسان نبوده و نیست، سران و گردانندگان جوامع و کشورها نیز آن را مهم و مطلوب دانسته و با روش‌های متفاوت سعی دارند که آن را در جامعه ایجاد کنند؛ نویسنده کتاب «آناتومی جامعه» درباره این روش‌ها می‌نویسد: معمول‌ترین وسیله جلوگیری از تجزیه (از هم گسیختگی) اعمال زور و فشار است. این روش عموماً چندان نتیجه‌بخش نیست و همبستگی ایجاد شده از این طریق، چندان پایدار نخواهد بود. کم اتفاق نمی‌افتد که برای جلوگیری از تفرقه و به وجود آوردن وحدت و همبستگی،



در پی یافتن دشمن مشترک برمی‌آیند. از طریق پرورش حس ملیت، به وسیله مسابقه‌های ورزشی (به خصوص ورزش‌های جمعی و گروهی مثل فوتبال) متمرکز، در مذهب می‌تواند در حد بالایی به وحدت و انسجام گروهی کمک کند. مؤثرترین و انسانی‌ترین وسیله ایجاد همبستگی، بالا بردن سطح آگاهی مردم، در جهت شناساندن ارزش‌های واقعی است (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹-۱۵۵). در شرع مقدس، مفهوم مذکور را باید در واژه «امت» و واژه‌های هم‌خانواده آن و نیز واژه‌هایی که با آن قرابت معنایی دارند، یافت. امت به معنای جماعت و جمعیتی است که دارای مقصدی واحد و وجه مشترکی هستند، این وجه مشترک می‌تواند دین واحد، مکان واحد و غیر آن باشد. درباره معنای جماعت یا جامعه نیز نوشته‌اند، جامعه از ریشه «جمع» و به معنای گرد آوردن بوده و چون اسم فاعل است، به معنای جمع‌کننده و گردآورنده خواهد بود و در معنای اسمی از آن به گروه مردم یک شهر، یک کشور، جهان یا صنفی از مردم تعبیر می‌شود (فارابی، ۱۹۸۶، ص ۷۰).

۴. بنیان انسجام اجتماعی

بی‌تردید انسجام و همبستگی اجتماعی برای جامعه منتظر بسیار حائز اهمیت است؛ چون زمینه اجرای احکام و قوانین الهی است که قرار است امام منتظر(عج) با ظهور و حضور نورانی‌اش در جامعه بشری، آن را محقق نماید، تا جامعه انسانی به برکت اجرای آن احکام و قوانین الهی، شاهد شیرین آرامش و سعادت را نوش کنند. بدون شک یکی از آن قوانین که به تعبیر شهید مطهری رکن رکین و اصل اصیل اسلام است، حکم الهی امر به معروف و نهی از منکر بوده که خداوند حکیم در قرآن کریم اجرای این اصل اصیل را مبتنی بر وجود همبستگی و اخوت دانسته و می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره، ۷۱). خداوند متعال در این آیه شرط اجرای حکم الهی را اخوت و یا به عبارت جامعه‌شناختی انسجام و همبستگی اجتماعی می‌داند. تا اخوت و همبستگی بین مومنین و مومنات نباشد، فرد به خود اجازه دخالت در امر دیگری نخواهد داد. اما نکته اساسی و مهم‌تر این است که چه عواملی در پیدایش همبستگی اجتماعی نقش دارند. دورکیم «تقسیم کار اجتماعی»، پارسونز «تعادل ارزش‌ها و محیط»، زیمل و لوئیس کوزر نیز بر «ستیز و رقابت» تأکید دارند، اما در میان متفکران اسلامی، فارابی بر «محبت» تأکید داشته و می‌نویسد: «عامل موجد همبستگی، محبت و عامل ثبات و پایداری آن عدالت است». وی معتقد است که: «در مدینه فاضله، محبت در درجه اول با اشتراک در فضیلت حاصل می‌شود و اشتراک در فضیلت نتیجه عقاید و اعمال مشترک است. اما عقاید مشترک که سزاوار است اهل مدینه در آن اشتراک داشته باشند، عبارتند از: اشتراک در مبدأ؛ اشتراک در منتهی؛ اشتراک در بین مبدأ و منتهی. اشتراک عقیده در مبدأ، اشتراک در امر باری تعالی بوده و اشتراک عقیده در منتهی، اتفاق در ارتباط با سعادت است و اشتراک عقیده در بین مبدأ و منتهی، اشتراک عقیده در مورد



افعالی بوده که به واسطه آن‌ها سعادت تحصیل می‌شود. چنانچه اهل مدینه فاضله در این اندیشه‌ها اتفاق نظر داشته باشند و این اتفاق نظر با افعالی که به واسطه آن‌ها سعادت تحصیل می‌شود، تکمیل گردد، ضرورتاً محبت را در پی خواهد داشت (همان). خواجه نصیرالدین طوسی نیز همانند فارابی محبت را عامل همبستگی دانسته و می‌گوید: «محبت به وجود آورنده اجتماعی طبیعی بوده و برخورداری از وابستگی‌های عاطفی است که اصلی‌ترین عنصر از شاخصه‌های مهم در ایجاد همبستگی اجتماعی می‌باشد» (طوسی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸). استاد مصباح، بر «عواطف و احساسات» تأکید داشته و بر این باور است که: عواطف در جامعه اسلامی، محصول روابط متقابل اعضای جامعه در پرتو ایمان و اعتقاد به خدا و عمل به دستورات و قوانین دینی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۹۴). بدون شک، انسجام اجتماعی برای زندگی جمعی امری حیاتی و ضروری است، اما نکته قابل توجه و تأمل در همبستگی اجتماعی، بنیان شکل‌گیری و استمرار آن است؛ چون ثبات و استمرار این امر حیاتی برای جامعه بشری کاملاً به ارزش‌هایی بستگی دارد که از آن سرچشمه می‌گیرد. حاکمان و حکیمان جوامع در تلاش بوده و هستند تا با تکیه بر باورها و ارزش‌های مورد نظر خود، این امر مهم را محقق و یا استمرار بخشند. در دنیای مدرن شاهدیم که غالباً بر امور مادی و منافع زمینی تکیه کرده و تلاش دارند تا مردم را در سایه این امور مادی به هم بسته نموده تا حیات جمعی آنان متزلزل نگردد. اما اسلام به عنوان کامل‌ترین دین برای هدایت بشر، بهترین معیارها و محورها را برای وفاق اجتماعی و همبستگی امت اسلامی، اصول و مبادی دین معرفی می‌کند که از فطرت سلیم بشری نشأت گرفته است. علامه جعفری می‌گوید: آنچه می‌تواند حیات انسان را در این جهان هستی دارای فلسفه و هدف، قابل قبول نماید، دین است. اصول و مبادی کلی که متن دین الهی را تشکیل می‌دهند، همواره در طول تاریخ متحد بوده‌اند. بنابراین، بنای وحدت امت اسلامی، همان دین فطری است (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴).

بنابراین، اگر باورهایی که اشتراک در آن موجب انسجام اجتماعی می‌شوند، از ارزش‌های دینی که واقعیت نفس‌الامری دارند، نشأت گرفته باشند، می‌توانند در شکل‌گیری جامعه منتظر نقش‌آفرین باشند. چنین جامعه‌ای قطعاً می‌تواند مسیر تحقق ظهور موعود را هموار نموده و چشم منتظران عالم را به نور چهره زهرایی قائم آل محمد (ص) روشن کند. چون ارزش‌های دینی باورهایی هستند که ریشه در واقعیات نفس‌الامری داشته و از طریق عقل و یا به کمک نقل کشف می‌شوند. این ارزش‌ها از ویژگی‌هایی برخوردارند که نه تنها موجب همبستگی واقعی شده، بلکه این انسجام و همبستگی را باثبات و غیرقابل گسست نموده و همبستگان را آماده پذیرش احکام و قوانین الهی می‌نمایند (مریجی، ۱۳۹۳، ص ۴۱). سر این نکته در آن است که ارزش‌های دینی به ویژه شیعی، به دلیل عدم تحریف و اتصال به وحی، در ذات خود انسجام‌بخشی داشته و افراد را نسبت به یکدیگر همبسته نموده و در میان آنان اخوت برقرار می‌کند؛ چون این ارزش‌ها از ذات پاک و منزهی نشأت گرفته که اولاً، غنی بالذات است، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ

أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵)، «ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است»؛ ثانیاً، با علم نامتناهی خود کاملاً بر استعدادها و نیازهای انسان واقف است، چون خالق اوست، «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر، ۶۲)، «خدا آفریننده هر چیزی است و او بر هر چیزی نگهبان و کارساز است؛ ثالثاً، راه رسیدن انسان به نیاز و مطلوب واقعی‌اش را کاملاً می‌شناسد، «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۳۸)، «گفتیم: همگی از آن [مرتب و مقام] فرود آید؛ چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، پس، کسانی که از هدایت‌م پیروی کنند، نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند»؛ رابعاً، همه انسان‌ها در پیشگاه الهی در مرحله وجودی‌شان، از حقوق و امتیاز واحدی برخوردارند، «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَوْذَقٌ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ» (انعام، ۹۸)، «و اوست که شما را از یک تن آفرید، برخی [از شما] استقرار یافته [در زمین] و برخی به ودیعت نهاده [در اصلاب و رحم هایند]؛ ما آیات خود را برای قومی که می‌فهمند، بیان کردیم». این ویژگی‌ها باعث می‌شود که در نظام ارزش‌های الهی، منافع همه افراد، در هر زمان و مکان، یکسان لحاظ شده و هیچ ترجیح فردی و گروهی در میان نباشد. این یکسانی و عدم ترجیح در ارزش‌های دینی، خود نه‌تنها عامل بسیار قوی در ایجاد همبستگی و اخوت در جامعه می‌گردد، بلکه ثبات و دوام آن را نیز ضمانت خواهد نمود. روشن است جامعه‌ای که بنیان‌ساز انسجامی باشد که ریشه در چنین ارزش‌هایی داشته باشد، می‌تواند زمینه‌ساز انتظار اجتماعی باشد و در پدیداری جامعه منتظر موثر بوده و مسیر تحقق شرط کافی ظهور را هموار نماید. البته برای اینکه چنین انسجام و همبستگی در جامعه شکل بگیرد، عوامل تقویت و وضعی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۵. عوامل تقویت انسجام اجتماعی

ارزش‌ها و باورهای دینی اگرچه به عنوان بن‌مایه انسجام اجتماعی، در ذات خود ثبات و دوام جامعه منتظر را به همراه داشته و مسیر تحقق وعده صادق الهی را هموار می‌نماید، اما این سرمایه الهی باید توسط عواملی که اراده افراد جامعه در آن دخالت دارد، تقویت گردد، تا ثبات آن را استمرار بخشد؛ البته عوامل متعددی در این زمینه وجود دارد که به چند مورد آن اشاره می‌شود.

۵-۱. آگاهی اجتماعی

با توجه به ویژگی‌های مورد اشاره از ارزش‌های دینی، روشن می‌شود که ارزش‌های دینی در حقیقت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در دین هستند که کارکرد و رسالت آن سامان‌دهی رفتار فردی و گروهی پیروان است. در اسلام، ارزش‌های دینی نه‌تنها به‌عنوان راهنمایی برای زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان مطرح می‌شوند، بلکه بنیادهای مهمی برای ایجاد یک جامعه عادلانه و هماهنگ نیز به‌شمار می‌آیند. این



ارزش‌ها، از منابع اصلی اسلام یعنی قرآن و سنت پیامبر(ص) استخراج شده و در طول تاریخ اسلام به‌عنوان اصولی تغییرناپذیر و هدایت‌گر، نقش حیاتی ایفا کرده‌اند. درک و پیروی از این ارزش‌ها، نقش مهمی در ارتقاء سطح اخلاقی، اجتماعی و معنوی افراد و جوامع اسلامی دارد. متأسفانه یکی از آسیب‌های جدی در جامعه اسلامی، عدم شناخت و آگاهی لازم افراد نسبت به عقاید، باورها و ارزش‌های دینی است؛ عدم شناختی که موجب می‌شود تا افراد در بحران‌ها و فراز و نشیب‌های لغزنده، در مسیر حیات خود شکست و سقوط را تجربه کرده و نه تنها خود، بلکه دیگر هم‌نوعان خود را نیز درگیر ناکامی خود نماید. شکی نیست که هر شخصی موظف است برای رسیدن به اهداف اصیل و درخشان، چراغ راهش را که همان ارزش‌های اصیل و اسلامی است، بشناسد تا در پرتو آن بتواند رفتار و گفتار خود را سامان‌دهی نماید، تا از مصداق جاهلانی قرار نگیرد که انسجام اجتماعی را متزلزل نموده، بلکه با آگاهی و شناخت خود مسیر اتفاق و اتحاد را هموارتر نماید. امام علی(ع) می‌فرماید: «لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ» (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۷۵، ص ۸۱)، «اگر نادان سکوت کند (از اظهار نظر بی‌اساس خودداری کند)، مردم اختلاف نمی‌کنند».

۵-۲. هم‌فکری اجتماعی

خداوند متعال به گواهی آیه شریفه «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء، ۲۸) بشر را به گونه‌ای خلق کرده که به تنهایی توان حل بسیاری از مسائل خود را نداشته و برای رسیدن به اهداف و نیازهای خود باید دست یاری هم‌نوعان خود را به همراه داشته باشد. به همین جهت است که رسول‌الله(ص) افراد را از دعای عدم نیاز به دیگران نهی کرد. امیرالمومنین(ع) در این باره می‌فرماید: «عرض کردم: پروردگارا! مرا محتاج هیچ یک از آفریدگانت مگردان». رسول خدا(ص) فرمود: «ای علی! چنین مگو؛ زیرا هیچ کس نیست که محتاج دیگران نباشد». عرض کردم: «پس، چه بگویم، ای رسول خدا؟ فرمود: «بگو: خدایا! مرا محتاج آفریدگان بد خود مفرما» (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۹۳، ص ۳۲۵، ح ۶). بی‌تردید یکی از نیازهای اجتماعی بشر، به ویژه در عصر حاضر که امور بسیار پیچیده و سخت است، مشاوره در امور فردی و اجتماعی با هم‌نوعان خود است، تا بتواند از این طریق آرامش لازم را برای ادامه حیات داشته باشد. اهمیت این امر تا جایی است که خداوند نیز در قرآن امر به مشورت نموده و می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹). در جای دیگر هم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری، ۱۳۸). امیرالمومنین(ع) نیز می‌فرماید: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)، «انسان خودرأی به هدف نمی‌رسد، اگر با مردم مشورت کند، از عقل آنها کمک گرفته است». دو نکته‌ای که در مورد مشورت حائز اهمیت است، اینکه، اولاً، افراد باید در مشورت دقت کنند؛ طرف مشورت کسی باشد که فرد را به مطلوب برساند. به همین جهت حضرت



امیر(ع) نیز در نامه‌ای به مالک اشتر، حاکمان و مسئولان دولت اسلامی را از مشورت با سه گروه برحذر داشته است: بخیلان، ترسوها و حریصان. چراکه بخیلان همواره از گدایی و ناداری دم می‌زنند و مسئولان حکومتی را از رادمردی و گشاده‌دستی باز می‌دارند؛ افراد ترسو موجب سستی اراده مسئولان می‌شوند و حریصان و آزمندان با توجه و تأکید بر منافع شخصی خود، مسئولان را به ظلم و ستم در راه کسب مال و ذخیره تشویق می‌نمایند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). نکته دوم این است که، مشاوره و طرف مشاوره قرار دادن دیگران علاوه بر تفاهم، نوعی محبت و همبستگی در طرفین ایجاد نموده و پیوند اجتماعی افراد را مستحکم‌تر کرده و این امر دوچندان خواهد شد که طرف مشورت کسی باشد که نه تنها نسبت به معارف الهی آگاهی داشته باشد، بلکه به تعبیر امام باقر(ع) باتقوی باشد: «اِسْتَشِرْ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ»، «در امور خودت با افراد خدانشناس، کسانی که از خدا می‌ترسند، مشورت کن» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۲). وقتی انسان‌های باتقوا در پرتو آموزه‌های دینی به هم‌نوع خود کمک کنند، این امر به برکت ارزش‌های نورانی الهی، علقه و محبت در افراد بیشتر شده و بنیان اجتماعی را محکم‌تر نموده و زمینه شکل‌گیری جامعه منتظر را هموارتر خواهد کرد.

۳-۵. صداقت اجتماعی

یکی از مولفه‌های بسیار مهم و بنیادی در تشکیل و استمرار همبستگی و انسجام اجتماعی، صداقت بین افراد در جامعه است، چه اینکه اگر صداقت نباشد، نه تنها انسجام حقیقی شکل نخواهد گرفت، حتی اگر انسجامی هم شکل بگیرد، ثبات و استمرار نخواهد داشت! نکته قابل تأمل این است که، نباید جنبه اخلاقی صداقت ما را از بُعد اجتماعی غافل کند. بی‌تردید بُعد اجتماعی این مولفه پررنگ‌تر از جنبه اخلاقی آن است؛ زیرا افراد در زندگی گروهی بیش از هر چیزی به این مولفه وابسته‌اند. سرّ این نکته در آن است که هیچ فردی در برابر نفس خود نمی‌تواند صادق نباشد، مگر اینکه از سلامت روان برخوردار نباشد. بنابراین، موضوع صداقت را باید از مولفه‌های ضروری جامعه دانست. بر این اساس است که اندیشمندان اجتماعی معتقدند که سرمایه اجتماعی در هر نظامی، بر اعتماد و صداقت بنا شده و به هر میزانی که این اعتماد افزایش یابد، میزان سرمایه اجتماعی افزایش خواهد یافت. اما اگر اعتماد متقابل کم‌رنگ شود و مردم به یکدیگر اعتماد نداشته باشند، این مسئله در تقابل با سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد. صداقت یکی از علائم مهم ابرار است که از صفات مومنین می‌باشد. خداوند متعال در آیات متعددی در قرآن، به اهمیت آن اشاره فرموده‌اند. به عنوان نمونه، «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۷). این آیه سه بار نیکوکاران را شناسانده و حقیقت حال آنها را بیان نموده است: بار اول در همه مراتب سه‌گانه اعتقاد



و اعمال و اخلاق (از من آمن ... تا حین الباس)؛ بار دوم با عبارت «اولنک الذین صدقوا»؛ و بار سوم با عبارت «اولنک هم الممتقون». علامه طباطبایی در بخشی از تفسیر این آیه می‌فرماید: اینکه بار دوم آنها را با جمله «... أَوْلَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا...» شناسانده، به خاطر این است که این وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد؛ چراکه صدق با جمیع اخلاق یعنی عفت، شجاعت، حکمت و عدالت (چهار ریشه اخلاق فاضله) و فروع آنها، مصاحبت و همنشینی دارد؛ زیرا انسان به غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی صادق شد، این سه چیز با هم مطابق می‌شود، در نتیجه انجام نمی‌دهد، مگر آنچه را که می‌گوید و نمی‌گوید، مگر آنچه را که معتقد است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۴۲۸). اگر منتظر ظهور در روابط اجتماعی خود این مولفه را به خوبی رعایت کند، نه تنها از مصادیق ابرار خواهد بود، بلکه حتی مورد احترام و محبت هم‌نوعان خود قرار گرفته و این عُلقه سنگ‌بنای همبستگی و استمرار آن خواهد شد؛ انسجامی که می‌تواند بنیان جامعه منتظر را مستحکم‌تر نموده و مسیر تحقق شرط کافی ظهور را هموارتر خواهد کرد. در حقیقت صداقت خود به نوعی حکمرانی مفاهیم انسانی است که در حکومت مهدوی مصداق کامل آن، در ساختار حکومتی حضرت مهدی (عج) آشکار خواهد شد.

۵-۴. پیوند اجتماعی

ممکن است برخی از افراد در جامعه گمان کنند که مهم آن است که هرکسی به نحو شخص و فردی وظیفه دارد که درباره سعادت دنیا و آخرت خود تصمیم گرفته و درصدد تأمین آن باشد؛ اما از دیدگاه پروردگار عالم، این خواسته باید به صورت جمعی محقق شده و افراد به صورت جمعی به ریسمان الهی تمسک کنند. به همین جهت می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران، ۳)، «و همگی به ریسمان خدا- قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت-، چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت بزرگ خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید که خدا شما را از آن نجات داد؛ اینچنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید». قرآن مجید تمسک به حبل‌الله را نماد وحدت می‌داند. حال که حبل‌الله محور وحدت بین مسلمانان است، باید دانست که مراد از حبل‌الله چیست؟ یکی از بارزترین خصوصیات حبل‌الله آن است که مسلمانان را از گمراهی نجات داده و آنان را به راه راست رهنمون می‌شود. کسی که به حبل‌الله متمسک شود، گمراه نخواهد شد. مطابق حدیث ثقلین «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی أَهْلِ بیتی مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا»؛ دو چیز باعث هدایت و رفع گمراهی معرفی شده‌اند: یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت پیامبر (ص). بنابراین، تمسک به قرآن کریم و اهل بیت پیامبر (ص) که



همان حبل‌الله هستند و عمل به فرامین آنها، مسلمانان را به وحدت واقعی خواهد رساند. نکته قابل توجه در این حدیث آن است که پیامبر(ص) قرآن و عترت را با هم باعث هدایت می‌داند. یعنی تمسک به هر کدام از این دو بدون دیگری کامل نیست و باعث هدایت نخواهد بود. در حقیقت نگاه تک‌بعدی حتی در معارف هم می‌تواند همبستگی را تحت الشعاع خود قرار داده و نه تنها عامل انسجام نباشد، بلکه در صف مسلمین شکاف ایجاد نموده و در تأخیر ظهور موعود اثرگذار خواهد بود. لذا، رسول‌الله(ص) برای تحقق اعتصام جمعی، سفارش به کتاب و سنت می‌کند. با نگاهی جامعه‌شناختی، به خوبی می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از احکام در فرهنگ اسلامی، مبنای جمعی داشته، و نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی بستری مناسب و حتی ضروری برای کمال مادی و معنوی متدینین است. کافی است مناسک حج را با رویکرد جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار دهیم، تا ابعاد اجتماعی و انسجام‌بخش آن روشن گردد. یا نماز که یکی از مهم‌ترین وظایف مومنین شمرده شده و اولین چیزی است که مورد محاسبه قرار می‌گیرد (علامه مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۸۲، ص ۲۲۷، ح ۵۴). اصل آن است که نماز به صورت جماعت خوانده شود (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷۷)، در صورت عدم توان، رخصت داده شد که به صورت فرادا خوانده شود. این امر بیانگر اهمیت همبستگی اجتماعی در فرهنگ اسلام بوده و مسلمین برای تحقق آن باید بکوشند تا در زمره جامعه منتظر قرار گیرند.

۵-۵. محبت و دگرخواهی

زندگی گروهی برای شکل‌گیری و تداوم حیات خود علاوه بر ارتباط متقابل و هدف مشترک، نیاز به مولفه‌های دیگری دارد که بتواند حیات جمعی را صمیمی‌تر نموده و از حالت رسمی و سازمانی صرف درآورده و همبستگی بین افراد را مستحکم‌تر کند. محبت و دگرخواهی از جمله مولفه‌هایی است که می‌تواند این مهم را محقق کند. خداوند حکیم در سرشت انسان‌ها علاوه بر حب‌الذات و خودخواهی، دگرخواهی و نوع‌دوستی را هم نهاده است. در اندیشه اسلامی نوع‌دوستی دو جنبه دارد؛ یک جنبه انسانی و فطری، و جنبه دیگر جنسی و غریزی است. با نگاهی کلی به روایات ائمه معصومین(ع) می‌توان فهمید که اسلام بر مسأله نوع‌دوستی و محبت که عامل ربط انسان‌ها به یکدیگر و همبستگی میان آنان بوده، پافشاری می‌کند و این درجه از دوستی و پیوند درونی را یکی از جلوه‌های ایمان شمرده می‌شود؛ تا جایی که رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «عَدْلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرَهُ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ»، «عادل‌ترین مردم کسی است که برای مردم همان را بپسندد که برای خود می‌پسندد و برای آنان نپسندد آنچه را برای خود نمی‌پسندد» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۹۵؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰، ح ۳۴۰). تردیدی نیست که محبت و نوع‌دوستی یکی از عوامل موثر در ایجاد و ماندگاری ارتباط بین افراد بوده و جامعه‌ای که در آن نوع‌دوستی و مواسات و محبت وجود داشته باشد، استحکام و استمرار آن بیش از هر جمع دیگری خواهد بود. سیره‌نگاران در آثار ارزنده خود، به خوبی نشان دادند که یکی از عوامل



موثر در گسترش دین اسلام، نوع دوستی و ابراز محبت پیامبر اکرم(ص) به افراد بوده و برخلاف دیدگاه غلط اسلام‌ستیزان، دین مقدس اسلام با مولفه محبت در گفتار و رفتار پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) گسترش پیدا کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

شاید موضوع مهدویت و انتظار ظهور منجی موعود، در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگر احساس شده و شواهد و علائم عصر ظهور در روایات مربوطه نیز موجب شد تا تشنگان عدالت بپرسند پس چرا وعده ظهور منجی تأخیر شده است؟ بر این اساس، مسأله اصلی تحقیق حاضر تبیین جامعه‌شناختی تأخیر ظهور مهدی موعود(عج) بوده و در اثنای تحقیق نشان داده شد که برای تحقق این امر مهم، انتظار فردی مهدی‌باوران تنها شرط لازم را برای تحقق ظهور فراهم آورده است، و نه شرط کافی. تحقق ظهور نیاز به انتظار اجتماعی به عنوان شرط کافی دارد. در واقع عامل تأخیر در این وعده صادق را باید عدم شکل‌گیری جامعه منتظر دانست. جامعه منتظر برای شکل‌گیری خود نیاز به انسجام اجتماعی و همبستگی جمعی بین منتظران واقعی قائم آل محمد(ص) دارد. در واقع انسجام اجتماعی یکی از مولفه‌های مهمی است که در ظهور حجت(عج) دخالت داشته و نبود آن نه‌تنها ظهور را به تأخیر خواهد انداخت، بلکه حتی اجرای بسیاری از احکام اجتماعی اسلام، مانند امر به معروف و نهی از منکر که اصل اصیل اسلام است را نیز تحت الشعاع قرار خواهد داد. در اندیشه دینی و از نظرگاه اندیشمندان اسلامی، هرگونه انسجام و همبستگی قادر به حفظ ثبات جامعه نخواهد بود. تنها انسجامی می‌تواند تضمین‌کننده ثبات و استمرار جامعه باشد که ریشه در ارزش‌های الهی داشته باشد. به این جهت است که این ارزش‌ها از منبعی لایزال و مقدس نشأت گرفته و نه‌تنها نسبت به نیازهای واقعی افراد جامعه آگاهی دارند، بلکه راه رسیدن به آن را نیز فراروی بشر قرار داده، تا در پرتو آن عادلانه به نیازهای خود دست یافته و زمینه از هم‌گسیختگی جامعه را از میان برداشته و انسجام اجتماعی باثبات و مستمری را به همراه داشته و راه شکل‌گیری جامعه منتظر را هموار نماید، تا شرط کافی ظهور محقق گردد. انسجام محقق شده می‌تواند توسط عوامل متعدد اجتماعی تقویت شود. در این پژوهش نشان داده شد که چگونه عواملی چون هم‌اندیشی، صداقت، محبت و دگرخواهی و... می‌توانند همبستگی اجتماعی را تقویت نموده و عامل تداوم و ثبات انسجام در میان افراد جامعه شوند. اما این حقیقت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که پدیده‌های اجتماعی مثبت و مفید، در هر جامعه‌ای از یک‌سری عوامل و آسیب‌های اجتماعی در امان نخواهند بود. انسجام اجتماعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی که در مسیر تحقق شرط کافی ظهور اثرگذار است نیز از این امر مستثنی نیست؛ چون عواملی نظیر: سوءظن و بدبینی‌های بی‌جا، بهتان و افترا، توقع‌های بی‌جا، جاه‌طلبی و برتری‌جویی، بُخل، حسد و کینه در میان افراد جامعه می‌توانند موجب عدم تحقق همبستگی اجتماعی و یا تضعیف آن شده و شرط کافی ظهور را به تأخیر بیندازند.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن شعبه حرانی، شیخ ابو محمد حسن (۱۳۶۳). *تحف العقول*. تحقیق: علی اکبر غفاری. دفتر انتشارات اسلامی. باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی. حصون، شماره ۶.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. انتشارات کیهان.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. تهران: دنیای دانش.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. نشر کتاب سرای بابل.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). *آنا تومی جامعه*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شیخ مفید (۱۴۱۳ق). *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
- شیخ مفید (۱۴۱۴ق). *تصحیح اعتقادات الإمامیة*. محقق / مصحح: حسین درگاهی. قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۸۵). *من لایحضره الفقیه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ۴.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۲). *اخلاق ناصری*. مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: نشر خوارزمی.
- فازابی، ابونصر (۱۹۸۶). *فصول منتزعه*. بیروت: دارالمشرق.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۰). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۴۰ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۵۲، ۹۳، ۸۲، ۷۵.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول*. دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- مریجی، شمس الله (۱۳۹۳). *بررسی عوامل موثر در کج روی و نقش خانواده در آن*. قم: نشر معارف.
- مریجی، شمس الله (۱۴۰۳). *جامعه‌شناسی در عرصه تبلیغ دینی*. قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۳.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). *الغیبة*. ترجمه سید احمد فهری زنجانی. تهران: اسلامیه.